

ارگان سازمان کسب و کاری توفان

## گراهی باد خاطره رفیق فقید احمد قاسمی

### امپریالیسم و خلق های استعمارزده

امپریالیسم سرچشمه جنگ است. این حقیقتی است انکارناپذیر. اما آنچه که امپریالیسم را به جنگهای امپریالیستی برمی انگیزد عامل اقتصادی است. سرمایه داری انحصاری که هدف آن تحصیل حد اکثر سود است. این سود را نه تنها از طریق استثمار بیرحمانه طبقه کارگر در کشور خود بلکه از طریق غارت ثروت های طبیعی کشورهای کم رشد را استثمار خلق های دیگر تا بین میکند. جنگهای امپریالیستی درشت بخاطر آنست که هر امپریالیسم میخواهد از این غارت و استثمار سهم کلانتری ببرد و حتی در صورت امکان کلان ترین سهم را ببرد. تا آنجا که بتواند سهم امپریالیسم های دیگر را از آنها برباید و بخود اختصاص دهد. رقابت امپریالیسم های گوناگون بر سر توسعه مناطق نفوذ، بر سر سیادت بر این یا آن کشور، بر این یا آن منطقه، حتی سیاست بر سر امر جهان کهنش "جنگهای امپریالیستی" است و واقع چیز جز رقابت بر سر غارت و استثمار هر چه بیشتر نیست. جنگ شدید ترین شکل رقابت است ولی یگانه شکل آن نیست. در دوران زندگی "سالمت آمیز" هر امپریالیسمی در تنگنای است که با روشهای "سالمت آمیز" در اینجا یا آنجا در این یا آن شیوه غارت و استثمار بر این یا آن رقیب سبقت گیرد. رقابت امپریالیست ها هیچگاه قطع نمیشود، مطلق است.

اینها همه در نهاد امپریالیسم است، در سرشت و ماهیت امپریالیسم است خواه درشت باشد یا ریز، ابر قدرت باشد یا نباشد ممکن است برای لوث کردن این حقیقت به آن برجسب شعوری عامیانه "زد ولی این برجسب حقیقت را از حقیقت بودن باز نمیدار" ممکن است امپریالیسمی در شرایط معینی نتواند آرزوی خود را به طور کامل ارضاء کند، ممکن است مجبور شود بجای ده ریال به هفت ریال قناعت ورزد ولی این امر از خصلت امپریالیستی آن سرزمینی هم نمیکاهد. او با تمام قوا و با تمام وسائل خواهد کوشید شرایط را بسود خود تغییر دهد و آنگاه بجای ده ریال به ده هاریال هم اکتفا نخواهد کرد.

ورود اتحاد شوروی در جرگه امپریالیست های پس از خیانت سزان این کشور به سوسیالیسم، ظهور سوسیالیسم امپریالیست شوروی به معنی ابر قدرت امپریالیستی در صحنه جهانی، در ماهیت امپریالیسم، در آرزوی امپریالیسم ها و نیز در قوانین دنیای امپریالیسم هیچ تغییری ایجاد نکرده است. دوران کوفی ما مانند دوران امپریالیسم در زمان لندن همچنان دوران "امپریالیسم و انقلابات پرولتاریائی" است.

در حال حاضر دنیای سرمایه داری و امپریالیسم گرفتار بحران اقتصادی وخیمی است، تورم موجود که سالهاست کربان جامعه را گرفته بروخاست آن میفزاید. در این شرایط بحرانی هر یک از امپریالیسم ها میکوشد با عواقب ناشی از بحران را از دست خود بسر دارد و بر دوش رقیبهای خود بگذارد. اینجا است که رقابت میان امپریالیست ها و تضاد های آنان حدت بیشتری پیدا میکند. امپریالیسم های کوچک با امپریالیسم ابر قدرت در پی اوقفتند و در این رقابت گاهی ناموفق باقی میمانند. کافی است به رقابت میان ابر قدرت آمریکا و امپریالیسم آلمان غربی و ژاپن اشاره کرد؛ میتوان به رقابت میان امپریالیسم ژاپن و امپریالیسم های اروپائی اشاره کرد که اخیراً امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم های اروپائی را به واکنش و مقابله شدید برانگیخته است. ژاپن بر اثر رقابت در بازارها ۹۰ تا ۹۵ درصد سفارشهای کشتی سازی را بقیه در صحنه ۲

## به کنگره سوم حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان

به کنگره سوم حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان

رفقای عزیز

اجازه بدید برگزاری سومین کنگره حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان را را به شمار فقا و از طریق شما بهمه رفقای حزبی و پرولتاریای سراسر آلمان از جانب خود و همه اعضای سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان شاد باش بگوئیم.

تشکیل حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان در هشت سال پیش حادثه ای بسیار مهم و در واقع نقطه تحولی در جنبش انقلابی پرولتاریای آلمان بشمار میاید. ایجاد شعبه حزب در بخش شرقی آلمان که در سال گذشته جامعه عمل پوشید تا میان بزرگ طبقه کارگر آلمان و پیشاهنگ آن در مبارزه بخاطر وحدت خلق آلمان و انقلاب سوسیالیستی است.

حزب (کمونیست - مارکسیست) آلمان با تکیه بر مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسهد وین و پاتعمین و ژانسیف و تدوین استراتژی صحیح در انطباق با واقعیت کمونی آلمان و جهان، از همان آغاز با جنبش کارگری آلمان در آمیخت، با تودهای کارگر و استثمارشونده پیوند نزدیکی برقرار کرد و همراه با آنها در ریشپاشی آنها برای منافع حیاتی و آرمانهای طبقه کارگر و برای انقلاب سوسیالیستی به نبرد طبقاتی پیراخت و طی این مبارزه همواره مواضع خود را در میان طبقه کارگر مستحکم ساخت و توسعه بخشید.

حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان در تحلیل خود از جامعه کمونی آلمان و وضع جهان بد رستی دریافت که تضاد عمده جامعه آلمان تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی امپریالیستی آلمان است و حل تمام تضاد های دیگر وابسته به این یک تضاد جزا ز راه انقلاب - انقلابی کفایت از طریق اعمال قهر میتواند به پیروزی انجامد - میر نیست. بهیچود نیست که حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان انجام انقلاب سوسیالیستی را در دستور کار خود قرار داد و راه آن با پیگیری و استواری به پیش میرود. در سطح جهانی در دو شصت بزرگ خلقها، امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی، برای غارت و استثمار خلق ها و سیادت بر جهان با یکدیگر به رقابت برخاسته و جنگ جهانی جدیدی براندازد می بینند. حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان در افشا این دو ابر قدرت و مبارزه مستمر با آنها در جلب توجه پرولتاریا و خلق آلمان به خطر جنگ و مبارزه بخاطر جلوگیری از آن هیچگاه کوچکترین تزلزلی از خود نشان نداد.

رفقای عزیز، بورژوازی امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و ارتجاع جهانی برای مقابله با پرولتاریا و خلقهای کفلیه استثمار بیرحمانه و ستم ملی بسیار زبردت اقدامی برخاسته اند. بدینجه از شیوه های فاشیستی مدد میگیرند، هراندازه حیات خود را بیشتر در خطر بیند بیشتر سوسی فاشیسم میگیرند. در بعضی از کشورهای جهان مانند کشور ایران دیری است که رژیم فاشیستی مستقر گردیده است. سازمان مادر شرایطی بسیار دشوار در شرایط تسرور سوسیالیستی به احیا "حزب طبقه کارگر مشغول است و ناگزیر باید تمام کار سازمانی و فعالیت خود را بر اساس کار مخفی بنا کند. در کشور ما هیچگونه امکان فعالیت علنی نیست. توسل به سازمان مخفی و فعالیت مخفی در صورت امکان استقامت از امکانات علنی مبارزه در شرایطی که دنیای امپریالیسم و ارتجاع هر لحظه گام نوی بسوی استقرار فاشیسم بر میدارد و پیروزه در شرایط کشور ما ضرورت حیاتی دارد. ما باید انیم که رفقای حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان، در آلمان شرقی در شرایط ترور فاشیستی در اورد سته هونگر، در شرایط سلطه سوسیال امپریالیسم شوروی فعالیت میکنند. ما برای آن رفقا از صمیم قلب آرزوی موفقیت داریم.

کنگره حزب بدون شک مرحله نوئی را در حیات حزب خواهد گشود. ما یقین داریم که این کنگره وظایفی را که در پیش دارد با موفقیت کامل به پایان خواهد رسانید و حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان موفقتهای کمونی خود را تحکیم خواهد کرد و در آینده به موفقتهای درخشانی نائل خواهد آمد. سازمان ما با وفاداری عمیق به انترناسیونالیسم پرولتاری به موفقتهای گذشته و آینده شما با شادمانی مینگر. هر موفقیت شما، موفقیت همه پرولتاریای جهان و همه خلق های انقلابی است.

بگذارید در پایان از کنگهای بدینجه شما نسبت به سازمان ما که نشانه وفاداری عمیق شما به انترناسیونالیسم پرولتاری است - ضمیمه سیاستگزاری کنیم.

موفق باد کنگره سوم حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آلمان!  
زند باد مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری!

مستحکم باد وحدت پرولتاریای آلمان و ایران در مبارزه با امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و ارتجاع

سازمان مارکسیستی توفان  
۴ فوریه ۱۹۷۷

## با اصطلاح «انقلاب» اداری

دارند. عجب اطاق پر آب و رنگی بود. سه چهار نفر از خانها و شاید هم ریاست های شهری نشسته بودند و پشت سر هم سیگار و یک چیزی مثل چاقی دود میکردند. اطاق خیلی خنک بود، بطوریکه منکه تنم خیس عرق بود احساس کردم که دارم بچ می زنم. تنم مور مور میشد. رئیس پشت میز بزرگی نشسته بود و از زور جاقی نمیتواند نفس بکشد و نمیدانم چرا هرگز نشتر اچ میگرد. سلام کردم و لسی هیچکس جواب نداد. جلوتر رفتم باز هم سلام دادم اما باز هم هیچکس جوابی نداد. رئیس گفت چکار اداری. جریان را مختصر برای رئیس گفتم ولی قبل از آنکه حرفم تمام بشود گفت برو بیرون توه خراخا دیگ کارگزاران باونجار سیده که جاز و جنتال را می اندازید آتشی برای بسرت بیزم که یک وجب روغن رویش باشد. رئیس که این حرفها را زد دیدم یکفر از پشت در ستهایم را گرفت و با زور بیرون برد. از در که بیرون آمدم دیدم که دره بیست نفر اخلت جلو در اطاق رئیس ایستاده اند. یاد ریحاط داد که گاه زیر آفتاب داغ لسم داند. دلم گرفته بود و همی دلم کردم که برگردم به ولایت و اصلاح بدجه را بزنم. با خودم گفتم آخرین خوست که آدم بخاطر یک الف آدم اینهمه حرف بشنود و لسی بعد دیدم که بسز من فقط یک الف آدم نیست. سالهاست که دیگر او خوج هشت نه سرتال و اولاد مرا میدهند. کارگری میکند، نوکری این و آن رامیکند و اگر او نباشد همه مان از گرسنگی میمیریم. دلان را سیاه نکند. چنان کینه ای دلم را گرفته بود که نفسم بالا نمی آمد. گفتم بروم تا نمایم بد هم جلوی بازار بنویسند و از رئیس در آگاه بمانند از پایه حکومت شکایت کنم. بعد بشیمان شدم. قیلا یکی در آینه کار را کرده بودم ولی همعاشی بی نتیجه مانده بود. بقیه در صحنه ۲

گاهی اوقات وقتی یکی از توده های دهقان از کسی یا از زاری می شنود که طبق فرمان شاهانه میخوهند با فساد و رشوه خواری مبارزه کنند چنان لیخند تصخر آمیزی میزند و چنان بانفرت با این حرفها گوش میدهد که تا اعصاب وجود انسان را تکان میدهد. دهقان ساده دل ما با تمام وجود و تمام زندگیش این کلمات ادارات مختلف را لمس میکند و طبیعتاً در آرزوستند که یکی قید اند که اینهمه کثافت از کما میاید و دشمن اصلی او تمام خلقهای ایران کیست. فساد و رشوه خواری در ادارات سپهن ما در هر منطقه بقدری وسیع است که غیر ممکن است به یک دهقان فقیر بتوانی بقبولانی که یک رئیس اداره و یا کارمندانش برای انجام کاری قبول نمیکرند. البته در این بگیر و ببندها دهقانان و کارگران فقیر اند که حقتان بناحق پایمال میشوند و گوش هیچکس هم بحرفشان بد هکار نیست و وقت رژیم شاهزادگان عامی که دست به انقلاب اداری و مبارزه با فساد زده است.

غلام ربیع یکی از روستائیان ساده تعریف میکرد که چند وقت پیش بسرم با پسر خان بر سر مسئله ای اعمشی نزاع کرد و کتک مصلی به پسر خان زد. خان که از این موضوع عصبانی شد مبرود برادر را نزد او که رئیس خانه انصاف بود تحریک کرد و برای پسر پسر پسر مسازی کرد و بیرون فرار به شهر فرستاد و بعد هم خان با پارتی بازی و دادن پول و بریدن لیون برای بزرگان شهری بسرم را بزند آن انداخت و بیرون دادر را همانجور که اشتند تا گرد و خاک بخورد. منکه نان آور خانه را از دست داده بودم، شهر آمدم و سراغ داد که امر اگر قسم نشانم دادند، صبح بودم، و از زور غصه و دنی هنوز ناشتانه خورد بودم. بعد از سه چهار ساعت معطلی به اتاق رئیس اد کارمراهم

# درد به همه مبارزانی که در راه احیا حزب طبقه کارگر میروند!



با صطلاح ... بقیه از صفحه ۱ مگر آدم از کجک به کفتارشکایت میکند . در شهر هم هیچکس رانی شناختم . نزدیک دوست تو مان با خودم داشتم . شنیده بودم که در شهر پول حلا مشکلات است . خوب این پول هم تمام دارا تم بود ولی با این پول می ارزید که بستم را آزاد کنم . خواستم همان موقع بروم و همه را آزاد راجلور شس را از گاه بریزم و التماس کنم تا بستم را آزاد کند . ولی فکر کردم شاید اطفاق شلوغ باشد و ناراحت بشود . نشانی خانقاش را گرفتم و آنقدر کشیک دادم تا اداره تعطیل شد . زمین آمد سوار ماشین شد . به خانقاش رفتم . نیم ساعتی معطل شدم تا خستگی اثر برود . من هنوز نمی دانم آدم وقتی روزی ده دوازده ساعت زیر آفتاب داغ بیل و کنگک نمیزند حظوری خسته میشود . ولی شنیده بودم که این جور آدم ها خسته میشوند . شاید کندگی شکشان هم از زور خستگی باشد . چند ساعتی از صولت ظهر گذشت بود گرفتند در خانه دوست تو مان را از کبسه در آورده بودم و در پاکتی گذاشتم . قبلا از کبلاهی قلی شنیده بودم که پول را بر میس بانگ کشاورزی همین جور داده بود . در که زدم بگفت آمد در که معلوم بود مثل ما از ایلخت هاست و از زور بدبختی نوکری میکند . گفتم با آقا کار دارم . گفت چکار داری . گفتم بیخایم برایش آورده ام آقا بعد از چند دقیقه بانگ آورد ولی نه زیر بر اهنی داشت و نه بیرهن . شکمش مثل شکم بز افتاده بود روی شلووار و همانطور گردنش را تکان میداد . با تشرفتم : باز هم که توئی مردک خیل از آنکه جوابش را بد هم دستم را جلوی مردم و پاکت را به دستش دادم گفت چیه ؟ گفتم قالی نداری قربان - گفت بتو گفتم چیه ؟ گفتم شیرینی بی قابلمتی است و او هم قبل از اینکه حرفم تمام بشود محکم به تخت سینما م کوبید و جند تا فحشش را در گفت پدرسوخته بی همه چیز خیال کردی منم از او باشم . میخواهی درس دزدی بیمن بدی . همین شما کتافت ها هستید که آدم را واداره دزدی میکنید زود از اینجا برو بیرون و گرنه میدهم خودت را هم ببانند از زند زندان - خلیق هر چه لایق ! همین جور که این حرفها را میزد از دهانش چنان بوی گندی می آمد که دل آدم چهم میخورد . میخواستم دستا کشیده آمد از منم توئی گویش گفتم آقا ... و گف دستهایم را نشانی دادم - گفتم ببین اگر این دستهای که از زور بیل زدن آشو لاش شده اند به تو بزتم تمام پوست بدن بلند میشود . خون خود را می خورد هی دل دل کردم کار داری که با آن معمولا برای همولا تی هایم سرگامی برم در ریشم بود بیرون و باورم و دق دلم را خالی کنم . از حبس و کنگک پاکتی نداشتم . خوب هم اون شانس آورد و هم خدا بمن رحم کرد که زنی آب و روغن دار و سفید باز بر میرا هن سفید آمد و دست مردک را گرفت و من برای آنکه تن و بدن لخت زن را نبینم روم را برگرداندم و راهم را گرفتم و رفتم . همین جوری تو فکرتونم و با خودم حرف میزدم و فحش میداد و بیراه می گفتم که نمی دانم چقدر ساعتی گذشت و مغرب شد . رفتم کنار رودخانه و همانجا روی شن ها دراز کشیدم و کبسه نانم را هم زیر سرم گذاشتم . باز هم فکرهای زیادی بر سرم زد . ونی دادم کی خوابم برد . صبح که سحر بلند شدم آبی بسرو صورت زدم . گلیم خشک بود و نان پائین نمی رفت . بهتر تری بود و سه لقمه باغی را خوردم و راه افتادم مسجدی پیدا کردم و یکی دو ساعت دیگر در خیابانهاول گفتم تا ادارات باز شدند . گفتم امروز بی روم و التماس میکنم . بروی دست و پای منی آقا شاید دلش برحم بیاید و بستم را آزاد کند . باز هم بعد از سه ساعت معطلی به اطاق راهم داند ولی هنوز وارد نشده بیرونم انداختند . دهانم لک کرده بود و دیگر میخواستم کار را بکسر کنم که دیدم دستی بشانم خورد و مردکی که بعد ها فهمیدم کارمند دارگاه است با مهربانی پرسید . پد را نگار خیلی ناراحتی چیه ؟ با وجود آنکه حال و حوصله حرف و دن نداشتم ولی حال و حکایت را بر اش گفتم خیلی خوست کسی باشد که بدرد آدم گوش بدهد . احساس کردم که سببشده ام مرد حرفهایم را که شنید گفتم خوب با با اینکه ناراحتی ندارم . اگر میخواهی کارت راه بیافتد برو پیش آقا رحیمی جلوی چهارسوی بازار لوکس فروشی دارم اون با آقا میس آشناست حتما کاری برایت میکند . گفتم آخرین حاج آقا رانی شنا گفتم باکی نداشته باش . زود شناس میشود . اون بلده با آدمها چه جور شناس بشه . گفتم خدا صبرت بدهد برادر . بلکه خیبر باشد . رفتم پیش حاجی آقا مثل لبوسخ بود و شکمش از شکم رئیس هم جلوتر بود . حالا از هر چه شکم گنده بود متنفر شده بودم . با این وجود جلوتر رفتم و یک بار از نوحال و حکایت را برای او هم گفتم پرسید پسر ت چند روزه زندانه . گفتم یکماه و نیم و خدا عالم است تا کی باید آنجا باشد . گفتم خوب البته مشکل است رؤسای هم گرفتارها و ضار جری دارند . برادر کارت به خرده خرج دار

امیرالیسم و ... بقیه از صفحه ۱ برای خود تحصیل کرده صنعت گشتی سازی امیرالیسم های اروپا را راستانه و روشنگری قرار داده است . رقابت امیرالیست ها برای غارت میهن و دسترنج خلقها ما آنقدر رعیان است که نیازی به توضیح ندارم . در سال ۱۳۵۲ امیرالیسم آلمان غربی در مبارزات تجارتنی با ایران ابرقدرت را راه عقب راند و در اسر کشور های صادر کننده به ایران قرار گرفت . در سال ۱۳۵۳ با آنکه امیرالیسم آلمان پس از آمریکا دوسین صاعک کننده محصولات به ایران بود معذک زاین توانست سهامدارا خود راه ایران افزایش دهد و به آلمان غربی نزدیک شود . اگر در

به دوسه هزار تومن شیرینی باید بدی . این کله دوسه هزار توما به خورده تکانه در آخرین در تمام عمرم دوسه هزار تومان یکجا ندیده بودم . فکر کردم شاید در مورد رئیس دارگاه اشتباهی کند گفتم ولی حاج آقا این رئیس مثل پیغمبر اهل این حرفها نیست من خودم شیرینی بهش دادم میخواست تیکه تیکه بکند . گفتم خوب شدی . این رئیس البته اهل رشوه و این چیزها نیست ولی شیرینی هدی که گناه ندارد تو اگر میخواهی پسر ت آزاد بشه باید حتما بیشتر از خان بدی باید دوسه هزار تومان اسکناس نقد . . . برای رئیس آورد . اگر تمام زندگی ام را میفروختم دوهزار تومن نیشه با این وجود برای آنکه مطمئن بشوم گفتم فکرمیشید اگر پول را بد هم کار بستم درست میشود . گفتم سر میساعت . گفتم بزرگ بگذار بزرگ در زندان بماند . دنیا این جور نیستی ماند . به رئیس بگو غلام ریح خواب آرام برای خودش وزن و جفاش نخواهد گذاشت . کینه غلام ریح از ستم حکومت و در نهایت از ستم دارو دسته خائن تپیل که تمام توده های روستائی و شهری ایران است . در شهر ما در ا ای نیست که رئیس اش دوتا سه دلال برای سر کبسه کردن جیب های تهی تودها نداشته باشد . خود رئیس معمولا هرگز از کسی پول نمیگیرد یکی از دلال ها معمولا از کارمندان ادراست . دلال دیگر در داخل شهر کارگاسی دیگری دارد . رئیس یا توپ و شتر حقیر و تو همین و امروز فردا جان تودها راه لیشان میرساند تا آنجا که برای حل مشکلات حاضرند تمام هستی شان را هم میفروشند و در این موقع است که پای دلال اول بمان می آید و این دلال نیز خود مستقیم پول نمیگیرد بلکه دهقان یا کارگر فقیر را به دلال دوم حواله میدهد . این دلال نیز هرگز کجک و سفته وغیره قبول نمیکند فقط و فقط پول نقد . جنگداری برای سر کبسه کردن تودها زمین ها محدود و روستاها و یا شهر را به عدلی اعلام میکند . بطوریکه توده ها حتی برای یک کجک جابرای زندگی کردن هم جایی پیدا نمی کنند مگر آنکه تمام هستی شان را گرویند و به دلالان جنگداری بد دهند . شهرداری تا زحمتکشان شهری را از هستی ساقط نکند پروانه ساختن یک خانه خشت و گلی و یا لوله کشی آب رانی دهد . دلالان شهر دایم عین کرک گرسنه دنبال شکار هستند . شهردار شهر ما پیش از پنج دلال دارد و جنگداری بیش از سه دلال . رئیس دادگاه سه دلال و همینطور الی آخر . هر کدام از اینها با یکدیگر خون توده ها میبلورنند فاند . شهردار در شمال تهران قهری دارد که بیش از سه بیلیون تومان می ارزند . شهردار " نوچه " استاند ار است و از سهم زرد بیایش چیزی هم برای او میفرستند . استاند ار از این زرد بیها و ایرد زرد بیهای که دارد کرور کرور پول و ثروت و زمین و کارخانه جمع کرده است . استاند ار تمام مقامات دیگر شهر و استانی برای آنکه بهتر و بیشتر به غارت مردم بپردازند در تمام غارت های شان چه از نظر پولی و چه زنی و کارخانه وغیره حتما یکی از درباریان مثلا اشرفی خواهر شاه یا غلامرضا یا محمود رضا را شریک می کنند و آنوقت دیگر هیچ کس نمیتواند روی حرفشان حرفی بزند . ولی با گذشت زمان - توده های زحمتکش میهن ما آگاهی سیاسی بیشتری کسب میکند و هر روز بیشتر مبارزه روی آورند . آنها میدانند که دادگاه های محمد رضا شاه و رئیس دارگاه البته نمی توانند بهتر از آنکه هست باشند . در این دادگاه ها همیشه حق مال اشرفی فئودالها ، سرمایه دارهاست و اگر زندان و محکومیت و اعدام و شکنجه و تحقیر همیشه مال زحمتکشان است و بخاطر همین هم که زندانها پر است از توده های زحمتکش آباشا میلیونری سراغ دارند که بخاطر تجاوزه حقوق زحمتکشان زندانی شده باشد ؟ مسلما نه . زحمتکشان میهن ما میدانند فقط موقعی حقیقت پیروز خواهد شد ، که دشمن بزرگ حقیقت یعنی دستگاه زور و پول محمد رضا شاه را از بین برد مواد اره سلکت بدست خود زحمتکشان اقتصاد باشد .

زند هاد وحدت زحمتکشان میهن ما

سال ۱۳۵۲ تفاوت سهم آلمان و ژاپن ۴/۷ درصد بود و در ۱۳۵۳ این تفاوت تا ۲/۷ درصد تقلیل یافت . روشن است که امیرالیسم های اروپا و ژاپن در تلاش بخاطر غارت و استثمار خلق ها بویزه خلقهای ممالک کم رشد از دوا بر قدرت دست کمی ندارند . اگر غیر از این بینه پیشیم در ماهیت و سرشت امیرالیسم تردید روا داشته ایم ، یا اگر با تکیه نستجیده و بی حساب بر روی جنگ افروزی امیرالیسم و بویزه دوا بر قدرت ، این سرشت غارتگر و استثمارگر امیرالیسم را در ریشخت خصلت دیگران بنمایش سرچشمه جنگ بنهان داریم دید صحیح و کاملی از امیرالیسم بدست ندادیم . جنگ امیرالیستی برسرفارت و استثمار خلق است و نه جنگ بخاطر جنگ . در ارتباط با این موضوع باید گفت که آنچه که خلقهای جهان را بطور عمده بمبارزه با امیرالیسم بر می انگیزد همین سرشت غارتگر و استثمارگر آن و عواقب ناشی از آن بویزه فقر و سیمروزی و محرومیت از آزادی و استقلال است .

این خصوصیات امیرالیسم فقط یک روی مدال است . روی دیگر آن مبارزه خلقها بخاطر پایان دادن به غارت و استثمار امیرالیستی و تحصیل آزادی و استقلال کامل اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و شناختن جامعه نوینی است که آنها را به پیشرفت و سعادت و رفاه رهنمون کرد .

در برابر امیرالیسم - و سوسیال امیرالیسم هم امیرالیسم است - خلقهای غارت زده و استثمار زده جهان قرار گرفته اند که در همه جا با تمام نیروی خود به محو و نابودی امیرالیسم و نیل به آزادی ملی و طبقاتی برخاسته اند . محو و نابودی امیرالیسم جز از طریق نابودی طبقه حاکمه وابسته به امیرالیسم امکان پذیر نیست

" مبارزه علیه امیرالیسم آمریکا تاثیر نخواهد بخشید اگر این مبارزه در عین حال علیه دوستان و متحدینش و علیه تمام قدرتهای امیرالیستی نباشد " ( انور خوجو مکراراً در سخنرانی ششم حزب ) در دنیا امروز مبارزه آزاد بیخس خلق ها علیه امیرالیسم دامنه و نیروی فزاینده میگیرد که نگرانی امیرالیستها و بویزه دوا بر قدرت را بر می انگیزد . امیرالیسم و سوسیال امیرالیسم در همه جا بادست ارتجاع و عمال متحد خود نظیر سوهارتو ، شاه ، پارک ، گابزل ، پینوچت ، هوساک ، کیرک ، هونکر و ... مبارزه خلق ها را در هم میگویند . هر چه فشار و سرکوبی شدت میگیرد ، مقاومت و مبارزه حدت می یابد که تا پایان پیروزند ادامه خواهد یافت . این نتیجه عمل قانون مبارزه طبقاتی است .

مبارزه خلق ها علیه امیرالیسم و سوسیال امیرالیسم ، مبارزه طبقاتی پرولتاریا و متحدین اولیه پرولتاریا امیرالیست سوسیال امیرالیست و متحدین او در سطح جهانی است . این مبارزه ای است آشتی ناپذیر ، تضادی است آنتاگونیستی . پرولتاریا امیرالیست و سوسیال امیرالیست و متحدین آنها در این سرکوبی مبارزه خلقها و طبقه کارگرند تا بغارت و استثمار خود همچنان ادامه دهند . خلق ها و در پیشاپیش آنها طبقه کارگر میکوشند بحیات نکبت بار امیرالیسم و سوسیال امیرالیسم و رژیم های مخلوق آنها پایان دهند . از امیرالیسم خواستن که با خلقهای کشورهای کم رشد بر اساس حقوق متساوی رفتار کند یا منافع آنها را احترام شمارد به این معنای که از بردن از خواهند که با بردن خود رفتاری انسانی داشته باشند .

نمونه رفتار امیرالیسم در نتایج کفرانس شمال - جنوبی که باید به استقرار نظم اقتصادی نوینی در جهان بیانجامد چشم میخورد . این کفرانس و کمیسیونهای آن بیش از یک سال است که بکار مشغول اند ولی امیرالیسم - از نوع آمریکائی ، اروپائی و ژاپنی آن - از هیچگونه کارشکنی در کار کفرانس باز نایستاد ماند و امروز نمایندگان " شمال " مانند نمایندگان " جنوب " همه بر آنند که مذاکرات یکساله که به تنظیم طرح هائی نیز از جانب کشورهای کم رشد منجر شده هیچ شرمای مبارز را بر نیاورد . است . یکی از مقامات عالی رتبه " شمال " نتیجه بحث ها را با جملا ت زیر بیان میکند : اگر آمریکا ابتکاری بخرج ندهد کفرانس با بر سر باید دفن شده تلقی کرد . کشورهای نه گانه ( یعنی امیرالیستی - توان ) در واقع موافقت دارند که کفرانس ادامه نیابد ؛ در محیط بحرانی کنونی مذاکرات شمال - جنوب مورد علاقه هیچکس نیست حتی مورد علاقه فرانسه ( لوموند ۲۱/۱۲/۷۶ ) . همین روزنامه در شماره ۲۱/۱۲/۷۶ از قول یکی از سفیران عالی رتبه " دنیای سوم " در سازمان ملل متحد اینگونه میاورد : اظهاراتی کفناکون از جیبی کارتر در دست است حاکی از آن است که تغییرات مهمی در سیاست اناروینی نسبت به دنیای سوم . بقیه در صفحه ۳



امپریالیسم و... بقیه از صفحه ۴ روی نخواهد داد.  
از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل - زاینکه کنفرانس به نتیجه مثبتی نینجامید، ابراز نگرانی میکند. در مقابل سندی که به همین مناسبت بتصویب مجمع عمومی رسید چنین آمده است: «نگرانی روزافزونی که بسیاری از کشورهای آنجمله کشورهای در حال رشد احساس میکنند از این واقعیت است که انگلستان و کشورهای پیشرفته شرکت کننده در کنفرانس هنوز اراده سیاسی لازم را برای رسیدن به نتایج مشخص از خود نشان نداده اند.»  
کنفرانس شمال و جنوب و کنکس و وضع ایک که این بار هم نتیجه آن در کنفرانس دوحه نمایان گردید. نمونه روز برای نشان دادن ماهیت امپریالیسم است.  
این ادعائیز که خلقهای کشورهای کم رشد به امپریالیسم نزدیک شده و به آن در رفع بحران و مشکلات یاری میرسانند

اطلاعه مشترک... بقیه از صفحه ۴

داستان بوده ای است که به صاحب مولای خود کمک میکند که بند های اسارت را بردست و پای او محکمتره بندد. البته شاه ایران از درآمد نفت، این ثروت برهادر رفته خلقهای ایران میلیاردها دلار ریای امپریالیسم فرانسه، انگلستان، آمریکا، آلمان و غیره میریزد. صدها میلیون دلار به موسسه کروی، موسساتی که در پشتیبانی از فاشیسم و تدارک جنگ جهانی دوم و در نتیجه در کار کشنده و مملوین قربانی جنگ در صحنه های نبرد یا در اردوگاه های اسیران مسئولیت بزرگی دارد. کمک میکند برای آنکه آنرا از بحران و ورشکستگی برهاند و این درست در زمانی که مردم ایران آه در بساط ندراند. اما اشتباه است اگر بماند شاه ایران و خلق های ایران علامت تساوی گشته شود. شاه این گماشته امپریالیسم که وظیفه اجرای سیاست و حفظ منافع امپریالیسم را برعهده گرفته در اردوی امپریالیسم است دشمن

علیات شدید توده هاخشم نظامیان را برهی انکیزد

و موجب افزایش فشار و اختناق میگردد، وقت خود را به انجام این وظیفه زشت صرف میدارد که اعتراضات را بسکوت بگردانند. با مبارزات توده های جلوترین و از اقدامات ضد ملی، ضد دموکراتیک و بخاطر استثمار سوار شدیدی خلق که دولتهای ارتجاعی بطور سیستماتیک بعمل میآورند پشتیبانی کنند. در چندین کشور آنها دست در دست یکدیگر میزنند و یکنواختی ها به آنها حق فعالیت سیاسی میدهند. فعالیتی که از دادن حق آن به زحمتکشان و اکثریت خلق امتناع میورزند. آنها شعارهایی علیه انحصارهای آمریکائی میدهند برای آنکه خلق را بغیریند و مواضع واقعی خود را پنهان دارند. مبارزه ظاهره آنها علیه امپریالیسم بنظرنیل به آزادی و استقلال ملی واقعی نیست. هدف واقعی آنها اینست که راه را برای سلطه شوروی بکشایند. احزاب رومیونیست آمریکائی لاتین بیشتر از آنکه خدمتکاران روزوازی باشند عمال سوسیال امپریالیسم روس و ستون پنجم آنها که در جنبشهای میهن پرستانه توده های رخنه کرده اند. کنفرانس که در ۱۹۷۵ در هاوانا تشکیل شد و در آن تمام احزاب رومیونیست قاره شرکت جستند یک اتحاد واقعی بنظور خیانت به خلقهای مابود. رومیونیست ها حملات خود را بر روی مارکسیست - لنینیست ها، انقلابیون و چین و آلبانی سوسیالیست متمرکز میسازند. اما آنها آینه های ندراند. در تمام آمریکائی لاتین در حال تلاش اند، نیروهای آنها و نیز اعضای آنها گاه هش مییابد، سیاست آنها به شکست های مکرری انجامد مانند شیلی که در آن پروژنی مضحکه، راه مسالمت آمیز آنها افشا گردید. رومیونیست ها ناگزیر توسط نیروهای توده های انقلابی آمریکائی لاتین و در راس آنها احزاب مارکسیست - لنینیست مغلوب خواهند شد. پرچم مارکسیسم - لنینیسم همیشه در رینگ علیه اپوزونیسم و عمال روزوازی در جنبش کمونیستی و کارگری پیروزند بوده است.

۷- در ملاقات هیئت های نمایندگی مسئله مهم همبستگی و کمک متقابل نیز مورد بحث قرار گرفت. در شرایط فعالیت جنبش توده های انقلابی آمریکائی لاتین، در شرایط سرکوبی و خشمیانه لوم است همبستگی بین الطلی بخاطر بسیج افکار عمومی در پشتیبانی از مبارزه خلقها علیه دیکتاتورهای ارتجاعی و امپریالیسم آمریکا گسترش یابد. خاطر نشان شد که در چند کشور مبارزه مسلح انقلابی به مثابه شکل عالی مبارزه توده های بسط مییابد و از این نظر مبارزه های که از هشتت سال پیش در کولومبیا توسط ارتش توده های آزاد پیش، بخش مسلح حزب کمونیست کولومبیا (مارکسیست - لنینیست) دنبال میشود و احزاب مابا فاطمیت از آن پشتیبانی میکنند موقعیت برجستهای دارد.

همبستگی بین الطلی با قربانیان فشار و اختناق یوار آورده نضریات بردشمن کمک میکند. افشا شکجه و کشتارهای میهن پرستان و دموکراتها، اعتراضات علیه علیات سرکوبی جنبشهای توده های کم که میکند به اینکه ارتجاعیون منفرد شوند و در راهی یوار سیاست آنها افشا شود. دست در خصمان شوق کرد و وزندگی انقلابیون و میهن پرستان نجات داده شود. هیئت های نمایندگی توافق کردند بر سر لزوم هم آهنگ ساختن جنبشهای مختلف همبستگی و افزودن برداشته آنها بقسی که این جنبشها، سازمانها و شخصیت های شرقی کشورهای مختلف را در برگیرند. امروز اهمیت خاصی در ابطال آزادی رفیق انریکو بریکو، رهبر کوشش نیکو در بیسیاسی حزب کمونیست انقلابی اور و کوه که در ریونون آیرس در آرژانتین در زندان است، میهن پرست قهرمان مارگاریتا بریکو در آسونسیون در آرژانتین و جسیان کلمنته که دست مبارز کهنسال لتری برزیل خوزه دوارته که از ۱۹۷۲ زندانی است، رهبران معدنچیان بولیوی که در کشور خود زندانی اند، همه کسانی که در شیلی در سیاه چال بسر میبرند و هزاران زندانیان دموکرات و انقلابی شیلی، آرژانتین و کشورهای دیگر قاره.

۸- هیئت های نمایندگی حاضران هم عبقی خود را از برگشت رفیق مائوتسه دون، صد رکنیته مرکزی حزب کمونیست چین رهبر بلا منازع خلق چین، مارکسیست - لنینیست بزرگ و آموزگار بزرگ پرولتاریا و خلقهای ستمکش سراسر جهان ابراز داشتند. تحت رهبری خردمندانه رفیق مائوتسه دون و حزب کمونیست چین پرولتاریا و خلق چین جنگ انقلابی را به پیش راندند، قدرت را در دست گرفتند و سوسیالیسم را در چین مستقر ساختند. بدینسان چین عقب مانده و وابسته به کشور سوسیالیستی مدین، به در مطمن انقلاب جهانی تبدیل گردید. تحت رهبری رفیق مائوتسه دون مسئله مهم ادامه مبارزه طبقاتی در شرایط دیکتاتور پرولتاریا و اینکه چگونه باید از احتیاج سرمایه داری در چین جلوگیری بطور صحیح حل شد. رفیق مائوتسه دون با قاطعیت پرچم مارکسیسم - لنینیسم را برافراشت. و مبارزه رومیونیسم مدین را آغاز کرد و بدین ترتیب بطور قاطع به احیا جنبش کمونیستی بین الطلی یاری رسانید. راه اوستا به مبارز انقلابی و اندیشه های او که مارکسیسم - لنینیسم را تکامل بخشیدند همیشه در قلب و در افکار خلقها و کمونیستهای سراسر جهان باقی خواهند ماند.

۹- هیئت های نمایندگی احزاب مارکسیست - لنینیست آمریکائی لاتین نتایج پیروزنده هفتمین شکره حزب کارآلبانی را شات یاتری گویند. گزارش رفیق انور خوجه، مارکسیست - لنینیست بزرگ و رهبر برجسته خلق آلبانی و خلق های سراسر جهان سهم بسیاری گرانمایی در روشن شدن مسائل مهم و تعیین کنندهای است که در هن انقلابیون همه قاره ها را بخود مشغول میدارد. این گزارش روزها مبارزه با ستم بدگان و استثمار شوندگان را توسعه می بخشد و شعله اعتماد به پیروزی آرمان آنها را تیزتر میگرداند. دعوت کردی کدر رایسن گزارش بنظور تقویت جنبش مارکسیست - لنینیست بین الطلی بعمل میاید علاقه شدید هیئت های نمایندگی ما را برانگیخت. ما مطمئنیم که احزاب ما مانند هیئت های رفیق انور خوجه را از جنسند خواهند شمرد و برای تقویت فعالیت انقلابی خود آموزشهای لوم را بر بیرون خوا کشید. کامیابیهای بزرگ آلبانی سوسیالیست نشان میدهد که تاجه اندازه اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم نیرومندند و حزبی که بر آنها متکی باشد بجه دستاورد هائی میتواند دست یابد. نمونه حزب کارآلبانی همه مبارزان انقلاب الهام می بخشد که با غلبه بر همه مشکلات، پرچم مبارزه بخاطر دموکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم را برافروزند.

ما از اینکه رفیق انور خوجه، انقلابی پرولتری و مارکسیست - لنینیست برجسته را در کنار خود می بینیم مسروریم. اعتماد اوبه آینده و عمق شور و یک و دید سیاسی او، او را به مثابه یکی از بزرگترین انقلابیون عصر ما برجسته میسازد.

۱۰- هیئت های نمایندگی احزاب مارکسیست - لنینیست آمریکائی لاتین در پایان این ملاقات برادرانه اعتماد کامل خود را به پیروزی مارکسیسم - لنینیسم بر رومیونیسم مدین، به پیروزی طبقه کارگر و خلقهای انقلابی بر امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و ارتجاع جهانی ابراز داشتند. ما از این ملاقات با زهم متحد تر بیرون آمدیم و وفادارتر به آرمانهای مقدس انترناسیونالیسم پرولتری با ایقان بیشتر به لزوم فعالیت بخاطر وحدت جنبش کمونیستی و کارگری بر اساس اصول مارکسیسم - لنینیسم. احزاب ما تمام مساعی خود را بکار خواهند برد برای آنکه راتحاد نزدیک با حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی و جنبش کمونیستی بین الطلی به این هدف دست یابند.

تیرانا، نوامبر ۱۹۷۶

خلقهای ایران است. شاه همراه با دیگر همپالکی های خود در اواک از تکرار این ننگه خسته نمیشود که بد نیای آزاد خلق دارد و میخواهد بحران این دنیا به ورشکستگی کامل بیانجامد. اما خلق های ایران طور دیگر فکر میکنند. آنها بد رستی وضع سیاه و نکبت بار خود را معلول سلطه امپریالیسم و رژیم شاه آفرید آن میدانند. خلقهای ایران ده ها سال است که عواقب شوم سلطه امپریالیسم روسیه، انگلستان و آمریکا - ویژه رابا گوشت و پوست خود حس کرده و میکنند. آنها همیشه رژیم ماند برای آنکه این زالیهای سمج خون آشام را از بدن علیل خود بد رافکنند و به این نتیجه میرسند که تنها انقلاب، انقلاب ملی و دموکراتیک برهبری طبقه کارگر ایران بچنین آرمانی تحقق خواهد بخشید.

عنان و... بقیه از صفحه ۴ خواهند ماند؟ این سئوالات گویای نگرانی اغراب از حضور ارتش ایران در سرزمین عربی است. تجار و هواپیماهای ایران به یمن جنوبی که بنظور جاسوسی صورت میگردد و سازمان دفاع این کشور را و اخرونو امیر یکی از آنها را بزمن کشید موید این نگرانی است.

عربستان سعودی چند ماه پیش اقداماتی بعمل آورد تا مناسبات خود را با جمهوری توده های یمن و امارات خلیج بهبودی بخشد و به دولت عدن و سلطان قابوس وعده کمک مالی داد برای آنکه دولت عدن به حضور سوسیال امپریالیسم شوروی واقف آرند. کشور خود پایان دهد و امنیت مرزهای عمان را تضمین کند و سلطان قابوس نیز عد ر ارتش ایران را خواهد. اما آنگونه که از ظواهر امر پیداست نه دولت عدن توانسته است به پیشنهاد عربستان - سعودی ترتیب اثر دهد و در نتیجه نه سلطان قابوس از حضور ارتش ایران خود را بی نیاز احساس میکند.

شاه بارها اعلام کرده است که هیچگونه رژیم انقلابی را در آن سوی خلیج فارس تحمل نمیکند. ارتش ایران در آن سوی خلیج مانند خود ایران افزارا امپریالیسم آمریکا برای سرکوبی انقلاب است سرکوبی هر انقلابی کنفوذ امپریالیسم آمریکا را در این منطقه ترش کن کند یا حتی گاه ترش هد. اما از سوی دیگر حضور ارتش ایران در آن سوی خلیج و تمرکز تقویت نیروهای نظامی ایران در منطقه خلیج فارس برای آنست که نفوذ سوسیال امپریالیسم شوروی بر مرزهای یمن جنوبی محصور کند. در حال حاضر ریکانه ارتش که در رایسن منطقه از عهد انجام این وظیفه میتواند برآید ارتش ایران است تقویت یمن بند و بار نیروهای نظامی ایران توسط امپریالیسم آمریکا از همین جناسی میشود مضافا اینکه تمام دلارهای نفتی را از دست ایران بیرون میاورد و می بلعد.

حضور ارتش ایران در عمان، نطقه نامی در منطقه خلیج فارس است. البته امروز فقط عدم رضایت و نگرانی اغراب را برهی انگیز ولی در آینده میتواند نتایج وخیمتری بنا آورد.

پس از نگارش این مقاله خبرنگار فاینانشال تایمز روز ۱۴ ژانویه ز شهران خیر داد که بنا بر اطلاعاتی که از منابع بیرونی عرب بدست آورده بخشی از سیاهیان ایران از عمان فراخوانده خواهد شد و این کار تا پایان ژانویه عملی خواهد گشت. تصمیم دولت ایران ظاهرا بخاطر قرارداد آتش بس است که در مارس سال گذشته میان دولت شاه و سلطان قابوس به اجراء رسید. است. روزنامه لوموند (۱۵/۱/۷۷) که این خبر را میدهد میفراید: «شاه ایران این تصمیم را اتخاذ کرد تا روابط خود را با کشورهای عرب خلیج بهبودی بخشد».

شاه با همه برخاش و اشتنم خود سرانجام مجبور شد در برابر افکار عمومی کشورهای عرب که ارتش ایران را در سرزمین خود نمی پذیرفتند تسلیم شود. در گذشته نیز یکبار خبر فراخواندن ارتش ایران از عمان داد میشد ولی بعد معلوم شد که موضوع بر سر تعویض بخشی از ارتش ایران بود و است و نه فراخواندن آن. آیا اینبار نیز توطئه و نیزنگی در کار نیست؟

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY  
حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO. 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

# خلقها به حیات شوم و سیاه امپریالیسم و نوکرانش پایان خواهند داد!



عمان و ارتش ایران

ایران و عربستان سعودی و دوسریه و وفادار با ایران...  
لیسم آمریکا برای اجراء سرکردگی در خلیج فارس همچنان برود روزی  
یکدیگر ایستاده اند. هر یک از این دو میخواد کشورهای خلیج  
فارس را تحت زمامت و حیثیاتی خود متحد سازد. اگر شاه ایران در  
نظر دارد کشورهای خلیج فارس را با پیمان اقتصادی و سیاسی منظمی  
تحت نفوذ خود در آورده کشورهای خلیج میخواد پیمانی فقط در  
باره آزادی کشتی رانی در خلیج فارس منعقد کرد و تاکنون هیچیک  
از طرفی از موضع خود عقب ننشسته است. کفران روزی اموی خوار  
کشورهای خلیج فارس که در اواخر نوامبر رسماً تشکیل شد با  
شکست روبرو گردید. در این کفران عربستان سعودی و عراق  
خواستار خروج ارتش ایران از عمان شدند.

حضور نظامی ایران در آن سوی خلیج فارس به چه وجه  
مایه خشونتی هیچیک از کشورهای عربی و ویژه کشورهای ساحلی  
خلیج فارس نیست که ارتش ایران را بمثابة تهدید بدی تلقی میکنند.  
روزنامه "السیاسه" چاپ کویت با صراحت نوشت که حضور ارتش  
ایران در عمان محل امنیت منطقه خلیج فارس است. سلیم اللوزی  
مدیر مجله "الحوادث" در صحافی با سلطان قابوس پسر از آنکه  
قابوس به او میگردد که کوبا گروههای کوچک شورشی مارکسیستی  
را از بین برده است بالحنی که از آن تندی احساس میشود میرسد  
پس چرا شما پس از خاتمه انقلاب از نیروهای ایران نخواهید که  
عمان را ترک کنند؟ و چند لحظه بعد دوباره همین مسئله مطرح  
میکند: آیا نیروهای ایرانی در عمان باقی بقیه در صفحه ۳

انترناسیونالیسم و جنگ امپریالیستی

آن فرانسوی، آلمانی یا ایتالیایی که میگردد سوسیال  
لیسم با اعمال قهر نیست به بلل مخالف است و بنا بر این وقتی  
دشمن به خاک کشور من هجوم آورد دفاع خواهیم کرد به سوسیال  
لیسم و انترناسیونالیسم خیانت میورزد. زیرا این شخص فقط  
کشور خود را میبیند و میورزد... خود را "مافوق همه چیز" می  
میدهد، در حالی که راجع به روابط بین المللی که جنگ را امپریا  
لیستی میکند و میورزد و میورزی را به حلقه ای از زنجیر غارت امپریالیستی  
بدل میسازد نمیاندیشد.

تمام خرد و بورژواها تمام موزیک های کورن و نوا در دست  
همانطور است لال میکنند که مرتدان از قبیل کاتولیکیت ها  
و طرفداران لونگ و توراتی و شرکا است لال مینمایند و آن چنین  
است: در کشور من دشمن هسته دیگر با هیچ چیزی کاری نیست.  
سوسیالیست میزولتر و انترناسیونالیست طور دیگری است لال  
میکند: محصلت جنگ، و که آیا این جنگ ارتجاعی است یا انقلابی  
منوط بدان نیست که چه کسی هجوم کرده و دشمن در کشور  
چه کسی قرار دارد بلکه منوط بدانست که چه طبقاتی اداره  
امور جنگ را بدست دارند و چه سیاستی بوسیله این جنگ اداره  
داده میشود. اگر این جنگ یک جنگ ارتجاعی امپریالیستی  
است یعنی بدست و گروه بندی جهانی بورژوازی مرتجع امپریا  
لیست جبار و فزاینده از پیش میآید. آنکه هر بورژوازی (حتی بورژوازی  
کشور کوچک) به شریک غارتگری تبدیل میشود و وظیفه  
تعیینده پرولتاریای انقلابی عبارتست از آماده نمودن انقلاب  
جهانی پرولتاری که راه نجات منحصراً بر قدری است از دست هشت هائی  
کستار جهانی. استدلال من نباید از نقطه نظر کشور خود باشد  
(زیرا این استدلال یک کورن نیمه اورخورد بورژوازی ناسیونال  
لیستی است که نمیفهمد عروسی است در دست بورژوازی امپریا  
لیست). بلکه باید از نقطه نظر شرکت من در تدارک و تبلیغات  
و در نزدیک ساختن انقلاب جهانی پرولتاری باشد. لنین: انقلاب  
پرولتاری و دناوسکی مرتد ص ۱۰۱-۱۱۱ فارسی جلد دوم قسمت دوم

انترناسیونالیسم واقعی پرولتاری است و یکی بیستی  
نیست و آن کاری در رخ در راه توسعه جنبش انقلابی و مبارزه انقلاب  
در کشور خنثی و جنبش جهانی (از راه تبلیغات و همدردی و کمک مادی)  
از این مبارزه و این خط مشی فقط این خط مشی، بدون استثنا  
در تمام کشورها است. (لنن: وظایف پرولتاریا در انقلاب ما  
ص ۱۱۱ فارسی جلد دوم قسمت اول)

اطلاعیه مشترک احزاب آمریکای لاتین

هیئت های نمایندگی حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) آرژانتین، حزب کمونیست بولیوی (مارکسیست - لنینیست)،  
حزب کمونیست برزیل، حزب کمونیست کولومبی (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی شیلی، حزب کمونیست (مارکسیست  
لنینیست) اکواتور، حزب کمونیست پاراگوئه و حزب کمونیست انقلابی اروگوئه که در کشوره هفتم حزب کارآلبانی شرکت داشتند فرصت را مغتنم  
شمرند برای آنکه ملاقاتی برادرانه ترتیب دهند و درباره مسائل مربوط به منافع مشترکشان تبادل نظر کنند. ملاقات در محیطی سرشار  
از برادری انترناسیونالیستی صورت گرفت و حاجی از سطح عالی رسیدگی و یختگی روابطی بود که احزاب مارکسیست - لنینیست آمریکای لاتین  
را یکدیگر پیوند میدهد و روابطی که بر اساس مارکسیسم - لنینیسم استوار است و رجزبان بر خوردن های وسیع و جانانه، منطقی و همه جانبه  
ای کدر گذشته روی داده تقویت شده اند. بدنبال این ملاقات احزاب مارکسیست - لنینیست نامبرده در بالاتصمیم گرفتند اعلامیه  
مشترکی انتشار دهند که جمع بندی نقطه نظرهای است که بیان شده است.

۱- هیئت های نمایندگی به اتفاق خبرسندی خود را از شرکت در هفتمین کنفرانس حزب کارآلبانی، ابراز داشتند و بر آنند که این کنفرانس  
برای جنبش کمونیستی مارکسیستی - لنینیستی و انقلابی جهان دارای اهمیت بسیاری است. کمونیست های آلبانی که با کمونیست های همه متعلق  
جهان با ایستاد واحدی برادرانه عقد اتحاد بستند و بهر چه انترناسیونالیسم پرولتاری و دفاع ترزول ناید بر اساس مارکسیسم - لنینیسم این سلاح  
غلبه ناید بر طبقه کارگر در مبارزه اش بخاطر آزادی و انقلاب و بساختن سوسیالیسم برافراشته اند.

۲- هیئت های نمایندگی احزاب مارکسیست - لنینیست آمریکای لاتین بر این عقیده اند که این ملاقات در وضعی صورت میگیرد که  
در مجموع بسود خلقها و مبارزات انقلابی آنها است. و با برقرارت امپریالیستی آمریکا و اتحاد شوروی در منازعات لجام گسیخته خود هر روز  
توطئه های جدیدی علیه استقلال ملت های چینند و فعالانه جنگ جهانی جدیدی را تدارک می بینند. آنها و دشمن عمدتاً مصلحت هایند.  
معدنك خلقها در همه جا برای دفاع از منافع حیاتی خود و بخاطر رهایی ملی و اجتماعی بسیج میشوند. خلقها هر بار برتر سیاست استیلا  
بر جهان را که در با برقرارت اعمال میکنند می فهمند و بر آن ضربات می ریزند و پیروزی می آورند. نیروهای مترقی میگویند چیه؟ جها  
وسیع متحدی بوجود آورند که همه آنها را که واقعا علیه ابرقرارتها و تدارک جنگ میورزند متحد سازد. مبارزه آزاد بیختر علیه و با برقرارت  
امپریالیستی متوجه است علی رغم این حقیقت که دشمن عمدتاً در بخشهای مختلف جهان متفاوت است. اشتباه بزرگی است اگر در اوضاع  
و احوال کوشی تهدید ابرقرارت دیگران را دیده بگیریم و با یکی از آن در برای یکبار دیگر اتحاد به بندیم. در خلقها این اندیشه صحیح  
پخته میشود که در برابر تهدیدات جنگ افروزان و با برقرارت لازم است مبارزه انقلابی طبقاتی را به سطح باز هم بالاتری ارتقا داد برای آنکه  
با درگیری جنگ بمقابله برخاسته و نیروهای تجار و کارگران تضعیف کرد و با جنگ غیردولت میان امپریالیست ها را به جنگ عادلانه آزار  
بخش تبدیل نمود. چین و آلبانی سوسیالیست در زهای پیروزی انقلاب جهانی اند، تکیهگاه مستحکم و مطمئن پرولتاریا و خلقهای متحدید  
و خدمت نیروهای انقلابی سراسر جهان با کشورهای واقعا سوسیالیستی شرط لازم پیروزی بخاطر استقلال ملی، بخاطر دموکراسی توده های و همه  
خاطر سوسیالیسم است. تحکیم و تقویت دیکتاتور پرولتاریا در چین و آلبانی و پشتیبانی بیگرایان کشورهای از جنبش انقلابی جهانی سیم  
انترناسیونالیستی آنها است که در امانه بهترین سنن دوران لنین و استالین است.

۳- در جریان این تبادل اطلاعات احزاب مارکسیست - لنینیست آمریکای لاتین بار دیگر به این نتیجه رسیدند که خلقهای قاره  
ماد را کثرت عظیم خود تحت دیکتاتورهای نظامی و فاشیستی بسر میبرند. تروریسم سیاسی و محوآزادی بهانه ترقی در تمام کشورهای آمریکای لاتین  
بچشم میخورد. کشتن انقلابیون و شکنجه، محبوس پرستان و دیکتاتورهای معمول ترین شیوه های نیروهای سرکوبی بنظر ارتقا و روح آزادی در  
خلقهای آمریکای لاتین است. این رژیم ها در خدمت سرمایه امپریالیستی اند که بیرحمانه زحمتکشان را استثمار میکنند و شرورهای ملت ها را به  
غارت میبرد. تراست ها، انحصارها و بخشهای طبقات حاکمه وابسته آنها این رژیم های نظامی را مورد استفاده قرار میدهند برای آنکه  
سود های کلانی بدست آورند در حالی که شرایط زندگی توده های وسیع روز بروز بدتر میشود. دستاورد های طبقه کارگر از بین رفتن است سازما  
های این طبقه در بسیاری نقاط تحت کنترل پلیس یا تحت اداره عمال کارفرمایان درآمد است امپریالیسم آمریکا با تکیه بر اقلیت حاکمه  
ارتجاعی و پیروزیهای مسلح کشورهای عامل محروک و پشتیبان این رژیم های مستعمر، ضد ملی و ضد خلقی است. بانک ها با امریکای  
لاتین بمثابة نگهبان عقب خود بمثابة منطقه تحت استیلا خود میگردند. آنها سرمایه دگر اربهای سود آور کلانی میکنند، از شرورهای  
طبیعی بهره برداری مینمایند بهر زمانه در سیاست داخلی مداخله میکنند، دستگا های فشار و سرکوبی را تحت نظارت خود میگردند و در  
نیروهای مسلح نفوذ فاطمی اعمال میکنند. این امپریالیسم دشمن عمدتاً خلقهای قاره است. احزاب مایکین دارند که ملل آمریکای لاتین  
نخواهند توانست خود را آزاد کنند مگر آنکه این امپریالیسم را که در قاره ما بخصوص بسیج و تجار و کاراست بکوبند و بر آن فائق آیند و همزمان با  
آن نیروهای ارتجاعی محلی را که این امپریالیسم بر آنها تکیه دارد نابود سازند.

۴- هیئت های نمایندگی احزاب مارکسیست - لنینیست همچنین بر این نظرند که سوسیال امپریالیسم روس دست اندر کار فاع  
شدیدی است در جهت تصرف مواضع اقتصادی، سیاسی و استراتژیک در این بخش از جهان. او "کنگشانی" بد کشورهای آمریکای لاتین  
میدهد برای آنکه قهاری سیادت طلبانه و فزاینده خود را بر بوشاند. سوسیال امپریالیست ها مانند امپریالیسم بانکی هر بار فعالیت  
خود را بیشتر راین جهت بگاری اندازند که پشتیبانی نیروهای مسلح ارتجاعی قاره را جلب کند. بنظر فرام آورند شرایطی که بقائها  
امکان دهد در استثمار خلقهای ما شرکت جویند. و این امر در آرژانتین، اروگوئه، اکواتور، پرو و در کشورهای دیگر مشهود است. سوسیال  
امپریالیست های روس میخواهند بفزادی خلقی های آمریکای لاتین کک کنند؛ در واقع آنچه میخواهند اینست که در بهره برداری از منابع  
طبیعی ما شرکت جویند و منطقه نفوذ خود را در قاره ما بگسترانند. عوام فریبی ضد امپریالیستی آنها فقط پردای از دست بخاطر پنهان  
داشتن نقشهای استیلا جویانه و استثمارگرانه خود. دعای آنها با شافع آمریکا برخورد میکند و آمریکا نمیتواند یک بند انگشت از مواضع  
سلط خود را در آمریکای لاتین از دست بدهد. و از همه وسائل و از آنجمله زور برای حفظ و خراست آنها استفاده خواهد کرد. ارسوی  
دیگر خلقهای آمریکای لاتین در مبارزه علیه امپریالیسم بانکی اجازه نخواهند داد که سوسیال امپریالیسم روس شوره مبارزه آزاد بیختر ملی  
آنها را بر باید و جای رقیب خود، آمریکا را اشغال کند.

۵- هیئت های نمایندگی حاضر در ملاقات به یکبارجویی بزرگ و شوق مبارزه خلقهای آمریکای لاتین اشاره کردند. علی رغم  
ضربات سختی که با استقرار دیکتاتورهای هژوا آرژانتینی، بر آنها وارد آمده، آنها بیوع مستمکان راه بردن نمیگردند و قهرمانانه به مقاومت  
برخواستند. روحیه آزادی، استقلال ملی و انقلاب همه جاد ر قاره گسترش مییابد. خلقهای ما از امپریالیسم آمریکا رژیم های ارتجاعی  
و فاشیستی که مورد پشتیبانی آن است تنفر دارند، آنها از اردو سته های نظامی که در بعضی از کشورهای قدرت را در دست گرفته و بصورت  
توکران سرمایه خاری وزانند ارم توده های وسیع خلق درآمد مانند تنفر دارند. آنها با ضرباتی که از طریق اشکال مختلف مبارزه - از اعتراض  
ساده و اعتصاب گرفته تا مبارزه مسلح - وارد میآورند برای ارتجاع فرصت سرخارندن باقی نمیگذاردند و فعالیت روزنده خود شجاعت  
بسیار و قهرمانی نشان میدهند. طبقه کارگر، دهقانان و دانشجویان فعال ترین نیروهای مقاومت خلق اند. احزاب مارکسیست -  
لنینیست به نیروی رهبری کننده جنبش انقلابی ملی، دموکراتیک و توده های تبدیل میشوند؛ آنها راه انقلاب، مبارزه مسلح توده های و  
وسیعترین اتحاد همه نیروها و جریانات مترقی را بمثابة یگانه راهی که میتواند خلقها را بغنیل به آزاد واقعی برساند نشان میدهند.  
مبارزه بخاطر استقلال ملی علیه و با برقرارت مستلزم وحدت همه نیروهای است که میتوانند متحد شوند؛ ما فقط پرولتاریا و حزب مارکسیست  
لنینیست آن در شرایطی هستند که میتوانند این مبارزه را پیگیرانه تا پیروزی رهبری کنند. شک نیست که مشکلات و موانع هر چه باشند  
خلق های ما پیروز خواهند شد. آینده از آن ما است.

۶- هیئت های نمایندگی که در ملاقات شرکت جستند به فعالیت خرابکارانه، شوم و ضد انقلابی احزاب رومیونیست نیز اشاره  
کردند، احزابی که در آمریکای لاتین بغلط آنها را "کمونیست" مینامند. آنها در همه جا میگویند مبارزه توده ها را ترک کنند، زحمتکشان را  
بفریبند و به اربابان سوسیال امپریالیست خود خدمت نمایند. آنها به این بهانه که

پراکندگی جنبش دانشجویی به مبارزه علیه رژیم شاه لطمه میزند